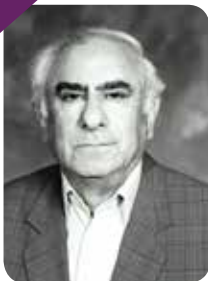


زندگینامه دکتر منصور محمدی

«کارشناس و مدیر کل دفتر فنی جنگل داری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور»

مهدی زهدی*

* پژوهشگر منابع طبیعی، پست الکترونیک: mezhohdi@yahoo.com



دانشمندان ایرانی

دکتر منصور محمدی سال‌هاست که در خارج از کشور زندگی می‌کند، خوشبختانه در یکی از سفرهای ایشان به ایران، فرصتی دست داد تا به واسطه دوست و همکار قدیمی‌شان جناب مهندس میرصادقی، ملاقاتی چند ساعته با ایشان داشته باشم و شرح زندگینامه‌شان را از زبان خودشان به رشته تحریر درآورم. در ابتدای گفت‌وگو، ایشان بیان کردند «پدرم در شهرستان گرمسار مسئول خالصجات بود، من در مزرعه‌ای که در آن کشاورزی و باغداری می‌کردند، به دنیا آمدم، از این‌رو از کودکی با کشاورزی و درخت‌کاری عجین شدم». دکتر محمدی در بیستم خرداد ۱۳۱۸ در قریه «یاتری علیا» از توابع شهرستان گرمسار چشم به جهان گشود، «یاتری» به زبان ترکی به معنی محل تغذیه دام‌هاست، در گذشته مسافرانی که از این مسیر، قصد سفر به مشهد مقدس را داشتند، در این محل توقف کرده و به دام‌هایشان علوفه و آب می‌دادند. ایشان می‌گویند «تا ۱۲ سالگی در قریه یاتری بودم و تا کلاس چهارم دبستان را در مدرسه گلزار این روستا گذراندم، ولی به دلیل فوت پدرم مجبور به مهاجرت به تهران شدیم. کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی را در دبستان جمشید و سال هفتم تا سال یازدهم را در دبیرستان پهلوی خیابان ری تحصیل کردم، برای سال آخر به دبیرستان مروی تهران در کوچه مروی خیابان ناصرخسرو رفتیم و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ دیپلم از این دبیرستان شدم. دبیرستان مروی در آن زمان دبیرستان مهم و معروفی بود، مدیران آن دوست داشتند که دانش‌آموزان یا قهرمان ورزشی شده یا جزو نفرات اول در زمینه درسی باشند. در سال ۱۳۳۸، هم‌زمان در کنکور دانشکده‌های پزشکی و کشاورزی شرکت کردم، علی‌رغم کسب نمره حدنصاب رشته پزشکی، به دلیل علاقه‌ای که از کودکی به امور کشاورزی داشتم، در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (کرج) مشغول به تحصیل شدم».

دکتر محمدی ادامه دادند «در سال ۱۳۳۸ که وارد دانشکده شدیم، دو سال اول عمومی بود و از سال سوم به بعد با انتخاب گرایش، دروس تخصصی می‌شد، من هم رشته جنگل و مرتع را انتخاب کردم. در آن زمان درس جنگل‌شناسی را دکتر جزیره‌ای، مرتع‌داری



را مهندس گلسرخ، درخت‌شناسی را دکتر ثابتی و آمار و طرح آزمایشات را دکتر خواجه‌نوری تدریس می‌کردند. اساتید تخصصی دیگر مهندس بنان، دکتر حجازی، دکتر طباطبایی، دکتر میرحیدر، دکتر معظمی، مهندس عابدی و مهندس رشديه بودند، مهندس رشديه عکس‌های هوایی را درس می‌داد. سال ۱۳۴۲ فارغ‌التحصیل شدم و در سال ۱۳۴۳ به استخدام وزارت کشاورزی درآمد. در وزارت کشاورزی، به سبب تخصصی که داشتم، من را به سازمان جنگلبانی فرستادند، در سازمان جنگلبانی نیز استخدام شدم». ایشان در مرداد سال ۱۳۴۳ و در بدو استخدام به عنوان کارشناس و عضو اکپ شماره دو تهیه طرح‌های جنگل‌داری به سرچنگل‌داری نوشهر اعزام می‌شود و تا مهر سال ۱۳۴۷ به تهیه و تدوین طرح‌های جنگل‌داری دانه‌زاد و شاخه‌زاد در سرچنگل‌داری نوشهر و تنکابن (شهسوار قدیم) و نشانه‌گذاری، مشغول خدمت بود. در ارتباط با این دوران دکتر محمدی می‌گوید: «در زمان استخدام به همراه مهندس نیک‌پی در سرچنگل‌داری نوشهر مشغول شدم. در آن زمان مهندس صفاری رئیس اکپ شماره ۲



ملاقات با دکتر محمدی در پاییز سال ۱۳۹۷ در دفتر مهندس میرصادقی از همکاران قدیمی ایشان در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور

تهیه طرح‌های جنگل‌داری بود، بعد از ایشان آقای رزایان رئیس اکپ شدند، ولی در مراحل بعدی، خود، به طور مستقیم در انجام نشانه‌گذاری طرح‌های جنگل‌داری و تهیه و تدوین طرح‌های جدید، انجام وظیفه می‌کردم».

دکتر محمدی افزودند «Cento یک مرکز آموزش در ایران داشت که دوره‌های آموزشی حفاظت خاک و ماشین‌آلات کشاورزی را ارائه می‌داد، بیشتر اساتید این مرکز انگلیسی و پاکستانی بودند، این دوره‌ها به صورت شبانه‌روزی در مرکز آموزشی، واقع در کرج، برگزار می‌شد. در سال تحصیلی ۴۷-۱۳۴۶ دوره تحصیلی حفاظت خاک، را که حدود ۱۰ ماه یا یک سال تحصیلی بود، در این مرکز گذراندم و با بیشترین پیشرفت در میان تمام دانشجویان، موفق به دریافت درجه Best Improvement Student شدم. در سال ۱۳۴۷ زمانی که از دوره آموزشی سنتو بازگشتم، وزارت منابع طبیعی تشکیل و در آن دفتر فنی خاک ایجاد شده بود، با توجه به تخصصی که در زمینه حفاظت خاک پیدا کرده بودم و با دستور دکتر جزیره‌ای، از نوشهر به دفتر فنی خاک در وزارت منابع طبیعی ستاد (تهران) منتقل شدم. در آن زمان مهندس هنگ‌آفرین که مرد بسیار محترم و نازنینی

بودند، مدیرکل دفتر فنی خاک بود، ایشان مسئولیت کارهای تثبیت شن‌های روان را در ابردژ، اطراف ایستگاه و خط راه‌آهن به من سپردند. در ابردژ یک ایستگاه موقت و تشکیلاتی برای جنگل‌کاری‌ها ایجاد کردیم. در آن زمان مهندس نورزاد رئیس راه‌آهن ناحیه تهران بودند، کمک‌های شایان ایشان در این پروژه تا حدی بود که حتی یک قطار عملیاتی برای حمل و نقل افراد و لوازم در اختیار ما گذاشته بودند. با انجام پروژه بسیار موفق تاغ‌کاری در ابردژ و نیز به دلیل گستردگی، اهمیت کار و با توجه به میزان پیشرفت پروژه، وزیر منابع طبیعی و آقای اسکندر فیروز به دعوت مهندس هنگ‌آفرین از پروژه بازدید کردند، ما نیز در آن بازدید مورد تعریف و تمجید بسیار مسئولین قرار گرفتیم. به همین دلیل، مهندس هنگ‌آفرین که همواره به ما لطف داشتند، تصمیم گرفتند که من را به یک بورس تحصیلی بفرستند. در همین زمان، ولیعهد بلژیک در سفرش به ایران، تعداد شش بورس تحصیلی را در ۶ رشته، به عنوان هدیه، به دولت ایران اهدا کرد. یک مسابقه بین متقاضیان دریافت این بورس‌ها برگزار شد. حدود ۴۰۰-۳۰۰ نفر در مسابقه شرکت کردند، من نفر هشتم شدم که پس از تکمیل فرم اپلیکیشن، اولین نفری بودم که پذیرش آمد، به طوری که از زمان شرکت در امتحان تا زمان پرواز به بلژیک، روی هم ۱۵ روز طول کشید. این چنین شد که در سال ۱۳۴۸ و در قالب این بورس، برای دوره یک‌ساله تحصیل در رشته علوم جنگل‌داری و جنگل‌شناسی به دانشگاه دولتی گنت بلژیک State University of Gent اعزام شدم». براساس سوابق موجود، دکتر محمدی از چهاردهم مهر ۱۳۴۷ تا شهریور ۱۳۵۲ کارشناس دفتر فنی خاک وزارت منابع طبیعی بودند که در همین ایام نیز از بورس تحصیلی بلژیک استفاده کردند. با انحلال وزارت منابع طبیعی، دفتر حفاظت خاک در سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور ایجاد و ایشان نیز در این دفتر به خدمت خود ادامه می‌دهد. مدت بورس تحصیلی بلژیک یک سال و پنج ماه بود که البته این زمان به دلیل ادامه تحصیل ایشان در مقطع دکتری این دانشگاه و با استفاده از مرخصی بدون حقوق تا مرداد سال ۱۳۵۲ ادامه می‌یابد. دکتر محمدی در ارتباط با تحصیل در بلژیک می‌گوید: «بورس تحصیلی اعطایی یک‌ساله بود، ولی دیدم بهترین راه این است که تا مقطع دکتری ادامه تحصیل دهم، لذا برای دوره دکتری اقدام کردم. ابتدا با توجه به سوابق تحصیلی و تجربیات شخصی خود در زمینه جنگل‌داری، جنگل‌شناسی، کار در کویر ابردژ، مسئولیت‌ها و آموزش‌های مرتبط با جنگل‌کاری تاغ و سایر گیاهان بیابانی، به آموزش دروسی نظیر جنگل‌کاری در مناطق خشک و نیمه‌خشک، نقش هیدرولوژی در جنگل و مقاومت به خشکی گیاهان پرداختم. سپس یک دوره جنگل‌شناسی علمی و آزمایشگاهی را به همراه پرفسور Van Miegroet، پرفسور De Bot و پرفسور Lust گذراندم، در آن زمان تنها جنگل‌شناس ایرانی بودم که در زمینه‌های یادشده تخصص داشتم. بنابراین رساله دکتری خود را در زمینه نقش هیدرولوژی در جنگل و مقاومت به خشکی گیاهان جنگلی در نظر گرفتم. معتقد بودم که بیشتر جنگل‌های مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران در اثر تخریب و قطع بی‌رویه با هدف زغال‌گیری در گذشته



بازدید از جنگل‌های ارس شاهرود

اسامی حاضرین در عکس به ترتیب مهندس خسروی، دکتر محمدی، مهندس بیگلربیگی، مهندس داور کماندارعلیلو، دکتر درستکار، مهندس کاوسیان و مهندس مخیری

استخدام شدم و در آن زمان حقوق خوبی هم دریافت می‌کردم و تا پایان دوره دکتری این سمت را داشتم. در این مدت علاوه بر آن که به همراه استاد در کلاس‌های جنگل‌شناسی در امر تدریس کمک می‌کردم، در آزمایشگاه نیز در ارتباط با موضوع مقاومت به خشکی گیاهان، وسیله‌ای را طراحی و ساختیم که میزان آب داخل خاک را اندازه‌گیری می‌کرد. این دستگاه بعدها در آمریکا به تولید انبوه رسید». پس از اخذ درجه دکتری در سال ۱۳۵۲، بلافاصله ایشان به کشور باز می‌گردد و پس از بازگشت در دفتر جنگل‌داری مشغول می‌شود، مهندس قاسم‌زاده در آن زمان مدیرکل دفتر بود. ایشان می‌افزاید «در سال ۱۳۵۳ آقای پرفسور دووس در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران (کرج) درسی را با عنوان انسان و محیط‌زیست تدریس می‌کرد، رئیس وقت گروه جنگل دانشکده منابع طبیعی کرج اینجانب را به‌عنوان دستیار تمام‌وقت ایشان انتخاب و بابت این کار در آن زمان حق‌الزحمه خوبی هم پرداخت کردند. من هفته‌ای دو روز به‌عنوان مترجم و دستیار پرفسور دووس در دانشکده مشغول به تدریس شدم. بعدها به اتفاق ایشان درس‌های پارک‌های جنگلی، پارک‌های ملی و منطقه‌ای را ارائه کردیم. همچنین در این مدت در کلاس‌های درس شرکت می‌کردم و برای اندازه‌گیری میزان آب در داخل گیاه و خاک، همچنین سایر پدیده‌های فیزیولوژیک از قبیل تعریق و تعریق، درجه حرارت و پتانسیل الکتریکی در شرایط خشکی تحقیق و آزمایش زیادی انجام می‌دادم که خوشبختانه به ثمر رسید». در مصاحبه‌ای که با آقای دکتر محمدی انجام شد، در خصوص موضوع رابطه آب، خاک و گیاه بیان کرد که «جهت آشنایی بیشتر با مکانیسم مقاومت به خشکی گیاهان، لازم به ذکر است که این بخش از علوم، مسائل و مواردی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که گیاهان بعد از گذشتن از نقطه پرمردگی تا زمان مرگ شرایط بحرانی را تحمل کرده و در برابر کمبود آب از خود مقاومت نشان می‌دهند. جنگل‌شناسی علمی-آزمایشگاهی شناخت کمیت و کیفیت مطلق فعالیت‌های بیولوژیکی گیاه در همه شرایط و زمان‌ها است و این شناخت تنها با دیدن یا اندازه‌گیری فیزیکی میسر می‌شود. به‌عنوان مثال خشک

تغییر شکل داده و به‌صورت جنگل‌های شاخه‌زاد و شاخه و دانه‌زاد غیرمنظم و ناهم‌سال در آمده است. همچنین پدیده جست‌زایی در بیش از نیمی از جنگل‌های خزر به اشکال مختلف وجود داشت. لذا یک مطالعه جامع و کلی را برای موضوع تز دکتری خود در زمینه تجدید حیات جنگل‌داری، جنگل‌شناسی، اندازه‌گیری و ارزیابی موارد مذکور و مشابه در سایر کشورها انتخاب کردم. عنوان رساله دکتری اینجانب عبارت بود از:

Foundation and characteristic of coffis (coppice) forest, regeneration, silviculture, Forestry and specific points for Iran.

تز دکتری را با راهنمایی پرفسور تاوانیه به‌عنوان استاد خاک‌شناسی و پرفسور دوت Debot به‌عنوان استاد فیزیک خاک گذراندم. در خرداد سال ۱۳۵۲ در مقطع دکتری از دانشگاه گنت بلژیک فارغ‌التحصیل شدم و بلافاصله به ایران بازگشتم. در مدت تحصیل با توجه به اتمام دوره بورس، برای تأمین هزینه‌هایم به‌عنوان دستیار تمام‌وقت استاد خود در دانشکده کشاورزی گنت Gent



دوره کارآموزی دانشجویان رشته جنگل و مرتع در طرح جنگل‌داری گلپند در سال ۴۲-۱۳۴۱

افراد نشست از چپ: نفر اول دکتر منوچهر امانی، نفر دوم شیرمحمدزاده و نفر سوم دکتر محمود زبیری. افراد ایستاده از چپ: مهندس پدرنام، دکتر محمدی، مهندس نیک‌پی و نفر آخر ایستاده مهندس عباس فرج‌ادینا. فرد پشت سر ایشان: مهندس روفچاهی



آقای دکتر محمدی در سال ۱۳۹۷

گفته دکتر محمدی، در این مقطع، دکتر درستکار که در آن زمان عضو شورای عالی بود، به چالوس رفته و با کمک سایر اعضای کمیته یادشده نسبت به بررسی و تصویب طرح‌های جنگل‌داری اقدام می‌کردند. دکتر محمدی بیان می‌کند: «در سال‌های ۵۶ و ۵۷ سازمان جنگل‌ها از یک متخصص حفاظت جنگل (Fire Management) به نام آقای هنری دبرون (Henry DE Brun) دعوت کرد، ایشان از طرف دولت آمریکا به ایران آمد و من به‌عنوان همکار و مترجم به همراه ایشان، برنامه‌ای را در قالب طرحی کلان برای مدیریت حریق و حفاظت جنگل در برابر آتش‌سوزی شروع کردیم. این طرح بسیار مهم بود و در طول ۶-۷ هفته مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای تهیه و تدوین شد. طرح فوق به طرح De Brun شهرت داشت و توسط اینجانب به فارسی ترجمه شد و به تصویب شورای عالی سازمان رسید. پس از آن در مهرماه ۵۷، یک گروه هفت نفره با مسئولیت اینجانب برای شرکت در یک دوره تخصصی به آمریکا رفتیم. آقایان دانش‌راد از چالوس، کاووسی از ساری و مخیری از گرگان عضو این اکپ بودند، اینجانب نقش مترجم را نیز برعهده داشتم. در این دوره که پنج ماه طول کشید، توانستیم از ۱۵ ایالت آمریکا بازدید کنیم، البته بیشتر کلاس‌ها به دلیل وقوع زیاد آتش‌سوزی در جنگل‌های کالیفرنیا، در آنجا برگزار می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از نوروز سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشتیم». در ارتباط با اقدامات فنی دیگری که در زمان اشتغال در دفتر فنی جنگل‌داری انجام دادند، بیان داشتند که «پس از انقلاب اسلامی سعی کردیم با همکاری سایر کارشناسان دفتر فنی جنگل‌داری برای احیا و بازسازی دانگ‌های تجدید نسل اقدام کنیم. منطق این بود که تخریب‌ها بازسازی شود و این کار از طرح جنگل‌داری گلبنده شروع شد. همچنین در سال‌های اول پس از انقلاب گروهی تشکیل شد که آقای منصور کریمی صفاری، دکتر ارسطو سعید و من جزو آن گروه بودیم. این گروه با هدف تعیین سهم عوامل ناکامی در طرح‌ها، به بررسی طرح‌های جنگل‌داری جنگل‌های شمال پرداخت که منجر به ارائه گزارش خوبی شد. همچنین بحث طرح تجدیدنظر در دانگ‌های بهره‌برداری که توسط اینجانب و مهندس خالقی نوشته شد، فصل جدیدی را در روش بهره‌برداری در سازمان ایجاد کرد که بعدها به‌عنوان یک کار علمی موضوع تعداد زیادی از پایان‌نامه‌های دانشجویی در دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی پرفسور اتر و دکتر زبیری و مشاوره اینجانب انتخاب شد. کار دیگری که قابل توجه بود و در آن نقش مهمی داشتم بررسی تاغ‌زارهای خشک شده بود. در سال‌های ۵۶-۵۵ موضوع بررسی خشکیدگی تاغ‌زارها برعهده دفتر فنی جنگل‌داری گذاشته شد. در آن زمان به همراه آقای درخشان دلجویی به سبزواری رفتیم و طرحی را به‌صورت آزمایشی با دو تکرار به اجرا گذاشتیم. در آن طرح، تاغ‌زارها را به سه روش هرس، قطع (کف‌بر) و تنک کردن مورد بررسی و آزمایش قرار دادیم. پس از آنالیز داده‌ها مشخص شد، هرس کردن و تنک کردن هر دو جواب مثبت می‌دهد، اما به دلیل هزینه‌بر بودن کار، پیشنهاد دادیم گزینه هرس کردن با انجام چرای محدود شتر انجام شود. بعدها این روش مورد توجه قرار گرفت ولی به‌نظر می‌رسد با جدیت پیگیری نشده است». ایشان ادامه می‌دهد «بعد از بازنستسگی فعالیت‌ها در ایران نداشتم،

شدن یا مردن یک درخت در جنگل ممکن است ده سال یا بیشتر طول بکشد و ما در آخرین سال‌ها متوجه می‌شویم که مثلاً رأس یا تاج درختان خشک یا زرد شده است، درحالی‌که این پدیده در جنگل‌شناسی آزمایشگاهی در اولین سال‌ها قابل تشخیص و تعیین است». ایشان ادامه دادند «سپس، دانشگاه ارومیه از ما برای تدریس دعوت کرد که البته با مخالفت مهندس قاسم‌زاده و سازمان مواجه شد. در سال‌های ۵۲-۱۳۵۱ در سازمان جنگل‌ها و مراتع تصمیم گرفته شده بود که مطالعاتی در ارتباط با جنگل‌های بلوط غرب انجام و برای مدیریت این جنگل‌ها برنامه‌ریزی شود. مهندس قاسم‌زاده با توجه به تخصص، این موضوع را به من سپرد، ابتدا گروه‌هایی را برای تهیه طرح تشکیل و سپس دوره‌های آموزشی برای کارشناسان ترتیب دادیم و کار را در ۱۰ استان شروع کردیم. البته خودم هم از این کار بسیار لذت می‌بردم، شاید بتوان گفت یکی از بهترین دوره‌های زندگی حرفه‌ای من بود، زیرا توانستم از تخصص‌هایی که داشتم به‌خوبی در امر جنگل‌شناسی جنگل‌های بلوط غرب استفاده کنم». دکتر محمدی در تاریخ ۲۸ اسفند سال ۱۳۵۵ به سمت معاونت دفتر فنی جنگل‌داری منصوب شد و این سمت را تا اولین روز سال ۱۳۵۹ عهده‌دار بود، ایشان در اول فروردین ماه سال ۱۳۵۹ با حکم رئیس سازمان به سمت مدیرکل دفتر فنی جنگل‌داری واقع در چالوس، منصوب شدند و این مسئولیت را تا نهم آبان سال ۱۳۶۲ به‌عهده داشت. پس از آن و با وجود واگذاری این سمت به فرد دیگر، همچنان به دلیل عشق و علاقه به کار حرفه‌ای، به‌عنوان کارشناس پرورش جنگل تا زمان بازنشستگی یعنی اول دی ماه ۱۳۷۰ در همان دفتر به انجام وظیفه ادامه داد. در سال ۱۳۶۵ براساس بخشنامه صادره از سوی شورای عالی جنگل، مرتع و خاک، کمیته‌های فنی در دفاتر فنی سازمان تشکیل شدند، ایشان با ابلاغ ریاست وقت شورای عالی به‌عنوان عضو کمیته فنی دفتر جنگل‌داری منصوب می‌شوند. در سال ۱۳۷۰ نیز دوباره با ابلاغ رئیس وقت شورای عالی به عضویت در کمیته فنی ستادی منابع طبیعی (جنگل، مرتع و خاک) درمی‌آیند. ظاهراً در آن مقطع شورای عالی سازمان تصمیم می‌گیرد با تشکیل این کمیته و حضور یکی از اعضای شورای عالی در دفتر جنگل‌داری چالوس، طرح‌های جنگل‌داری را در همان چالوس بررسی و تصویب کند، این تصویب به منزله تصویب شورای عالی سازمان بوده است. به

به بلژیک رفتم و چون پدر همسر دو قطعه جنگل صنوبرکاری داشت، تصمیم گرفتم به صورت خانوادگی این جنگل را به قطعات جنگل بلوط و راش و ترکیبی از هشت گونه تبدیل کنیم. در واقع این فعالیت در راستای تقویت ساختار محیط زیستی این جنگل و براساس عشق و علاقه من به این کار بود. این جنگل در گذشته جنگل صنوبر بود، ولی ۱۳ درخت بلوط، چند درخت زبان گنجشک و چند درخت دیگر در آن رشد کرده بود. مهندس مسئول این جنگل ها از شنیدن قصد من در کاشت درخت بلوط، خوشحال شد. البته جنگل کاری با حفظ تک درختان انجام می شد که در سازمان جنگلبانی آن زمان قابل قبول نبود. این اقدام ما یک کار مهندسی مینیاتوری بود، در آن قالب، تعداد زیادی از شاخه های بلوط را هرس کردیم و در کنار آنها افرا کاشتیم، این کار خیلی موفق شد و توجه خریداران و بازدیدکنندگان زیادی را به سوی این جنگل جلب کرد. حیات وحش جنگل هم تا حد زیادی احیا شد، قرقاول، سایر پرندگان و جانوران وحشی در آن لانه گزینی کردند و از لحاظ طبیعت گردی ارزش خوبی پیدا کرد. همچنین اینجانب در کشور بلژیک عضو گروه های جنگل Oost Vlaamse Gos Group (گروه های جنگل فلاندرن شرقی) بوده و هستم. این گروه با انتشار مجله De Bos Bode در بازدیدهای گروهی محلی راهنمایی، رهبری و کمک به بخش جنگل داری غیردولتی را به عهده دارد».

برخی از تألیفات و مطالب منتشر شده توسط دکتر منصور محمدی عبارتند از:

تدوین مقالات آموزشی انسان و محیط زیست، به اتفاق پرفسور Devos، پلی کیپی سال ۱۳۵۲، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. دستورالعمل فنی تهیه و تدوین طرح های جنگل داری بلوط زاگرس، دفتر فنی جنگل داری، ۱۳۵۲.

نشریه Regeneration of Coppice که به اتفاق پرفسور Lust استاد بخش جنگل شناسی دانشگاه گنت (بلژیک) منتشر شد، ۱۳۵۲-۱۳۵۳.

تدوین مقالات آموزشی پارک های منابع طبیعی، به اتفاق پرفسور Devos، پلی کیپی سال ۱۳۵۳، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. سیاست های جنگل داری ایران در حال و آینده، سمینار دانشکده منابع طبیعی، ۱۳۵۴-۱۳۵۳.

نقش جنگل های زاگرس در آبخیزداری و طبقه بندی جنگل های بلوط غرب، سمینار حفاظت خاک و آبخیزداری، شیراز، ۱۳۵۵-۱۳۵۴. بررسی و تحقیق در رابطه با علل خشکی تاغزارها و مدیریت آنها در آینده، دفتر فنی جنگل داری، دفتر حفاظت خاک و آبخیزداری، ۱۳۵۶.

نشریه ای با عنوان Copist Forests به اتفاق پرفسور Lust به زبان انگلیسی که یک نسخه آن در مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع نیز موجود است. این نشریه در دانشگاه گنت چاپ شد. نشریه ای با عنوان Forest Policy In Iran که برای فائو F.A.O نوشته شد.

روش ها و سیاست های مدیریت جنگل ها و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران، برنامه ویژه F.A.O برای خاور نزدیک و خاورمیانه دستورالعمل تهیه طرح های جنگل داری برای جنگل های بلوط غرب

جنگل شناسی جنگل های بلوط زاگرس، مجله جنگل و مرتع تهیه، تدوین و ترجمه طرح مدیریت و برنامه ریزی حفاظت جنگل های بحر خزر در برابر آتش سوزی (پیشگیری، کشف و مبارزه با آتش سوزی) به همراه Henry Debrun کارشناس ارشد و مدیر بخش هواپیمایی USA اطفای حریق، این طرح به زبان های انگلیسی و فارسی تهیه و تدوین شد.

نکاتی چند درباره احیای جنگل ها، سمینار جنگل کاری، احیای جنگل ها و درخت کاری در کشور، دفتر فنی جنگل کاری و پارک ها، ۱۳۶۳. مقاومت به خشکی گیاهان، سمینار آموزشی دفاتر فنی جنگل کاری و پارک ها و دفتر فنی جنگل داری در سال ۱۳۵۹.

جنگل کاری و بازسازی جنگل های بحر خزر، سمینار جنگل داری گرگان، ۱۳۶۸.

سیاست و مدیریت جنگل داری (جنگل های بحر خزر) سمینار جنگل داری گرگان، ۱۳۶۸.

اصول برنامه ریزی و مدیریت جنگل های بحر خزر، مجله جنگل و مرتع، سال ۱۳۶۹.

دکتر محمدی در رابطه با زندگی شخصی خود می فرماید: «در سال ۱۳۵۳ ازدواج کردم، شاید بتوان گفت ازدواج به نوعی به ادامه تحصیل در بلژیک گره خورده بود. زمانی که در بلژیک برای دوره دکتری تحصیل می کردم به دلیل آنکه بیشتر مطالب به زبان آلمانی، فرانسه یا هلندی بود به یک مترجم نیاز داشتیم، این بهانه ای بود که با همسرم آشنا شدم و ایشان در آن زمان برای من نقش مترجم را داشتند. همسرم بلژیکی هستند و در آن زمان دانشجوی رشته تاریخ بود و دوره دبیرستانش را هم در رشته های زبان یونانی و لاتین گذرانده بود و برای من کمک بزرگی بود تا بتوانم مطالب غیرانگلیسی را مطالعه کنم. در سال ۱۳۵۲ که فارغ التحصیل شدم، همراه با همسرم به ایران آمدم، در واقع قصد داشتیم تا شرایط ایران را از نزدیک ببیند، در نهایت در اول سال ۱۳۵۳ ازدواج کردیم. ایشان هم دین اسلام آوردند و هم ملیت ایرانی را قبول کردند و چند سال بعد هم به واسطه استعداد درخشانی که در زبان آموزی دارند زبان فارسی را به خوبی یاد گرفتند». دکتر محمدی دارای دو فرزند هستند، یک فرزند پسر که مهندس برق و الکترونیک بوده و در سازمان ساختمان های دولتی بلژیک کار می کند و دختر ایشان هم دارای سه فوق لیسانس در زمینه های حقوق بین الملل، حقوق بشر و مسائل اقتصادی و اجتماعی است. ایشان کارمند رسمی وزارت کشور بلژیک بوده و به نوعی یک قاضی محسوب شده و در زمینه تدوین قوانین اداری مشغول هستند. دکتر محمدی در حال حاضر به همراه خانواده در کشور بلژیک ساکن هستند و هر چند وقت برای دیدار اقوام و دوستان به ایران سفر می کنند. برای ایشان سلامتی و توفیقات بیشتر آرزو می کنم و از همکاری ایشان با نشریه طبیعت ایران در تدوین زندگینامه پربارشان سپاسگزارم. همچنین از مهندس میرصادقی که شرایط این دیدار را فراهم کردند و مهندس خوشخو رئیس و آقای فراهانی کارشناس دبیرخانه سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور برای مساعدت در بررسی اسناد کمال تشکر را دارم.